

جایگاه آستانگی در سکونت نزد کریستین نوربرگ شولتز؛ بررسی ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر شناخت و طراحی فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای*

فرزانه قاسمی^۱، سید سعید احمدی زاویه^{۲*}، آرزو منشی‌زاده^۳

۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بیان مساله: آستانگی به‌عنوان مرحله‌ی میانی آئین گذار در نظریات انسان‌شناسانه، با دربرداشتن کیفیت فضایی «انتقال»، مفهومی بنیادی در مسیر شناخت وضعیت بشر به‌شمار می‌رود. جایگاه آستانگی در تجربه‌ی زندگی حاکی از فضا‌مندی وجودی و دربردارنده‌ی جنبه‌های «هویت» و «موقعیت» در مفهوم انسان‌مدار سکونت به شیوه‌های چهارگانه در گفتار معمارانه‌ی نوربرگ شولتز است این امر بنا به وضعیت دیالکتیکی میان موقعیت‌های «ماندن» و «سرگردانی»، در فرایند جدایی از یک مکان تا رسیدن به دیگری، در میان دیگران، در زمینه‌ی ارتباط صمیمانه با محیط محقق می‌شود. به‌این ترتیب، آستانگی مفهوم بنیادی در فرایند سکنی‌گزینی و آفرینش فضا در معماری محسوب می‌شود و آگاهی به چگونگی تجسم‌بخشی به آن، در قالب چهارچوبی از مفاهیم معماری، از ضروریات مطالعات این حوزه است.

سوال تحقیق: جایگاه آستانگی در مفهوم «سکونت» نزد نوربرگ شولتز چیست؟ ویژگی‌های اساسی فضای سکونت و عوامل مؤثر بر طراحی فضاهای معماری از دیدگاه آستانگی کدام‌اند؟

اهداف تحقیق: شناخت جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت؛ و بررسی ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای سکونت با توجه به چهارچوب نظری.

روش تحقیق: پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر در دو مرحله جمع‌آوری و مطالعه منابع و تحلیل و استنتاج یافته‌ها، از جمله مصادیق مورد اشاره نوربرگ شولتز، انجام شده است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: بنا بر بررسی انجام‌شده در خصوص دیالکتیک دو مؤلفه سرگردانی و سکونت در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز و نمونه‌ها و مصادیق مطرح‌شده در تألیفات او جایگاه بنیادین آستانگی در مفهوم و امر سکنی‌گزینی تبیین می‌شود. معماری بر این اساس در جایگاه انسان-زیباشناختی خود بر پایه مجموعه روابط دیالکتیکی فضایی و اجتماعی، که بنا بر تغییر متقابل انسان و فضا موجب دیالکتیک‌های از-آن-خود-سازی می‌شوند، در مقیاس‌های آبادی؛ شهر؛ نهاد و مسکن، درجات مختلفی از درون‌بودگی را در انواع مکان‌های آستانه‌ای مشتمل بر انواع مسیرها و دسترسی‌ها، فضاهای خارجی و نماها؛ فضاهای ورودی؛ و فضاهای داخلی در کلیت عرصه‌های گذار و در حالت‌های مختلف باز، نیمه‌باز و بسته پدید می‌آورد. ویژگی‌های اساسی این فضاها متناظر با کیفیات فضای گذار در این پژوهش تحت‌عناوین سلسله‌مراتب دسترسی و فضایی، ماهیت انفصالی-اتصال‌ی در عوامل کالبدی، گشودگی و نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری، گوناگونی، و پویایی به‌دست‌آمده‌اند. مجموعه ویژگی‌ها، علاوه بر عوامل مؤثر در طراحی در مقیاس‌های مختلف سکونت، چهارچوبی نظری برای بررسی انواع فضاهای معماری بر مبنای رویکرد آستانه‌ای به سکونت را فراهم آورده است.

کلمات کلیدی: آستانگی، سکونت، فضا، معماری، نوربرگ شولتز.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول فرزانه قاسمی در رشته پژوهش هنر با عنوان «مطالعه نقش آستانگی در معماری دوره پهلوی تهران بر مبنای مفهوم سکونت (مورد مطالعه: بناهای مسکونی)» است که با راهنمایی نویسنده دوم (مسئول) دکتر سید سعید احمدی زاویه و مشاوره نویسنده سوم دکتر آرزو منشی‌زاده در حال انجام است.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر، تهران، ایران، ایمیل: ghasemi.fzn@gmail.com

۲.*** عضو هیئت علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم عالی و مطالعات نظری هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران، ایمیل:

szavieh@art.ac.ir

۳. استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران، ایمیل: a.monshizade@art.ac.ir

۱- مقدمه

آستانگی، باتوجه به نظریات انسان‌شناسانه^۱، وضعیت میانی در فرایند گذار از وضعیتی به دیگری شامل جدایی/گسستن، آستانگی/میانی و پیوستن است. این موقعیت ذاتاً «انتقالی» و بینابین فضای مادی شناخت و تغییر وجودی، گفت‌وگو با دیگران، گزینش مسیر و حرکت به سوی موقعیتی معنادار است و بر این مبنا با امر سکونت و عینیت معمارانه آن رابطه مستقیم دارد.

فعل سکنی‌گزیدن با توجه به آرای نوربرگ شولتز به‌عنوان نظریه‌پرداز حوزه سکونت در بنیان انسانی آن، که دربردارنده مفاهیم مرتبط با موقعیت آستانگی است، ناظر به نوعی از هستن در جهان بر مبنای نیاز به پیوند صمیمانه انسان و مکانی مفروض است. این امر در نتیجه تغییر دیالکتیکی وضعیت انسان میان دو جنبه وجودی او یعنی «سرگردانی» در مسیر دست‌یابی به یک مکان جهت قرار یافتگی حاصل از «ماندن» در آن برقرار می‌شود. به این ترتیب انسان وجودی فضا مند است که، در این فضای دیالکتیکی بینابین، آزادانه خود و موقعیتش را در نسبت با جهان و طی مشارکت و همدلی با دیگران می‌شناسد.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد آستانگی تجربه آئینی فضا مندی انسان و منجر به فهم موقعیت و هویت آدمی به‌عنوان دو جنبه بنیادین امر سکونت به شیوه‌های چهارگانه طبیعی، تجمعی، عمومی و خصوصی نزد نوربرگ شولتز در مقیاس‌های مختلف محیط است. بی‌توجهی به جایگاه اساسی آستانگی در سکونت نادیده گرفتن جایگاه هستی‌شناسانه فضا در فرایند تأمین فضای مسکون است، امری که هدف معماری در بنیان انسانی و ماهیت زیباشناسانه آن باتوجه به ضرورت شکل‌گیری فضاها بنا به موجودیت چندبعدی انسان و مجموعه اختلاف‌ها، تضادها و اشتراکات افراد هر جمعیت است.

در این مقاله سعی شده است تا با تحلیل منابع مکتوب مربوط به آستانگی و سکونت، براساس نتیجه حاصل از بررسی جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز، ویژگی‌های اساسی و عوامل مؤثر بر طراحی فضاهای سکونت از دیدگاه آستانگی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این بررسی‌ها می‌تواند در قالب چهارچوبی

نظری جهت شناخت و بررسی انواع فضاها در معماری مبنا قرار گیرد.

۲- پرسش‌های تحقیق

جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز چیست؟ ویژگی‌های اساسی فضاهای سکونت و عوامل مؤثر بر طراحی آنها از دیدگاه آستانگی کدام‌اند؟

۳- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد آستانگی در مفهوم انسان مدار سکونت نزد نوربرگ شولتز جایگاه بنیادی دارد و بررسی آن از طریق تحلیل دیالکتیک دو مؤلفه «سرگردانی» و «ماندن» درون شیوه‌های چهارگانه سکنی‌گزینی (طبیعی، تجمعی، عمومی و خصوصی) از منظر این نظریه‌پرداز ممکن است. در این صورت، باتوجه به جایگاه آستانگی در مفهوم دیالکتیکی سکونت و کیفیات فضایی آن، ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر کیفیت آستانه‌ای انواع فضاها در معماری قابل شناخت و بررسی هستند.

۴- پیشینه تحقیق

باتوجه به مفاهیم آستانگی و سکونت، پیشینه پژوهش مطابق جدول ۱ بررسی شده است. بر این اساس پژوهش حاضر در موارد زیر از متون پیشین بهره گرفته است:

- رابطه تجربه، گذار و موجودیت انسان در جهان

- آستانگی در معماری

- مفهوم خانه و ابعاد دیالکتیکی آن

- مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز

همچنین نسبت (جنبه‌های متمایز و متفاوت) مقاله حاضر با مقالات چاپ‌شده پیشین شامل موارد زیر است:



جدول ۱- بررسی اجمالی متون پیشینه. (مأخذ: نگارندگان)

محتوای پژوهش	مشخصات پژوهش
رویکردها به روابط درون و بیرون بنابه مفهوم «گذار»، آستانگی و شکل‌گیری محدوده	تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری (۱۳۹۹)، ایوب علی‌نیای مطلق، رضا شکوری، علیرضا عینی‌فر.
ریشه‌شناسی آستانگی، مفاهیم مرتبط و مراتب آن	بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن براساس ریشه‌شناسی واژه و آرای دانشمندان حوزه معماری (۱۳۹۸)، ایوب علی‌نیای مطلق، رضا شکوری، علیرضا عینی‌فر.
معماری آستانگی، دستورالعمل‌های طراحی ورودی بر اساس علل ارسطویی	چگونگی طراحی ورودی بنا باتوجه به اصول شکل‌گیری معماری آستانگی (۱۳۹۱)، سارا دانشمند و عبدالحمید نقره‌کار.
آستانگی، نظریات مرتبط با آن در معماری.	در جست‌وجوی آستانگی در فضای معمارانه (۲۰۱۱)، کاترین اسمیت.
مدل‌های آستانگی در معماری	معماری آستانگی (۲۰۰۳)، سارا اسپرینگ رپینگ.
آستانگی، انعطاف‌پذیری.	فضای آستانه‌ای در معماری: آستانه و گذار (۲۰۰۸)، پاتریک تروی زیمرمن
آستانگی، فضای معماری	در آستانه: آستانگی، معماری و زبان ناپیدای فضا (۲۰۱۳)، برت متیو ویلبر
نظام‌ها و روابط دیالکتیکی مفهوم خانه و سکنی‌گزینی	خانه و بی‌خانمانی (۱۹۸۵)، داوی
ابعاد پدیدارشناختی سکونت	تجربه و کاربرد سکونت (۱۹۸۵)، کوروسک
دیالکتیک‌های خانه و شیوه‌های عینیت‌بخشی به آن‌ها	تحلیل بینا فرهنگی خانه‌ها (۱۹۸۲)، ماری گاوین و ایروین آلتمن
مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز	سرگردانی در سکونت (۲۰۰۸)، ربکا ولفورد

- بررسی رابطه «آستانگی» در نظریات انسان‌شناسانه با موقعیت انسان در جهان و بازشناسی آن در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز، بنا به دو جنبه وجودی «سرگردانی» و «ماندن» در دیدگاه انسان‌مدار او به امر چندبعدی سکونت در معماری و ارائه آن تحت‌عنوان رویکردی انسان-زیباشناسانه به معماری.

- شناخت و بررسی مفاهیم و ویژگی‌های اصلی، مصادیق و عوامل مؤثر در طراحی فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای در مقیاس‌های مختلف محیطی جهت ارائه چهارچوبی نظری برای بررسی انواع فضاهای معماری با رویکرد آستانه‌ای به سکونت.

۵- روش تحقیق

پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر در مرحله آغازین به جمع‌آوری و مطالعه منابع مکتوب آستانگی در معماری (باتوجه به نظریات انسان‌شناسانه) و دیدگاه نوربرگ شولتز در خصوص مفهوم سکونت پرداخته است. در ادامه، پس از تحلیل منابع مذکور، بنا به فرایند استدلالی، یافته‌ها از جمله مصادیق مورد اشاره این نظریه‌پرداز با هدف شناخت جایگاه آستانگی در سکونت و ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر فضای معماری استنتاج شده‌اند.

۶- مبانی نظری

چهارچوب نظری این پژوهش شامل شرح مفاهیم و مباحث نظری پیرامون آستانگی و سکونت است.

۱-۶- آستانگی

در زبان فارسی اسم مصدر «آستانگی» به معنای در-آستانه-بودن است. «آستانه» با مفاهیم درگاه، ساحت، آغاز، و مابین، مکان و مرکز مرتبط است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۵۹-۵۸). در-آستانه-بودن لحظه‌حدی است که رخدادی آغاز می‌شود (انوری، ۱۳۸۱: ۹۹). نسبت آستانه با مرز و مکان ارتباط آن با کنش‌های «برقرار»^۲ و «ایجاد»^۳ کردن یک موقعیت و درنگ کردن در آن (نورایی، ۲۰۱۳: ۴۴۴) برای تغییر، عزیمت و رسیدن را مشخص می‌کند.

از سوی دیگر، اصطلاح آستانگی، به‌عنوان معادلی برای واژه liminality، در پیوند با کلمه limen موقعیتی



به چپستی تجربه زندگی درون فضاها حاکی از وجود ارتباط درونی آستانگی با چگونگی سکنی‌گزینی در مکان‌ها است.

۶-۲- سکونت

سکونت در معنای لغوی^۷ مرتبط با habitation و دربردارنده معنای «کنش زندگی کردن در یک مکان» و ظرف آن به‌عنوان «مسکن»^۸ یا مکانی برای زندگی است. پیوند این واژه با habitare، از طریق ارتباط با habit دربردارنده مفاهیم عادت، شیوه معمول زندگی و habitat شامل مفاهیم مرتبط با خانه^۹ است. واژه مرتبط دیگر dwell به معنای «زندگی کردن در یک مکان ویژه» و dwelling ناظر بر انواع مکان‌هایی است که مردم در آنها زندگی می‌کنند. پیوند این مفاهیم^{۱۰} نشان‌دهنده ارتباط مفهوم مکان و زندگی در هر زمینه فرهنگی است.

در زبان عربی^{۱۱} «سکونه» برگرفته از «سکن» به معنای از حرکت بازایستادن و حالت آرامش یافته نفس پس از اضطراب است. سکونتگاه موطن آدمی است که در آن الفت، امنیت و اعتدال را بازمی‌جوید. همچنین محوریت مفهوم سکونت اطمینان قلبی آدمی^{۱۲} است؛ بنابراین سکونت مفهوم قرار یافتن را از هر دو وجه فیزیکی و روانی (ایلکا و غیره، ۱۳۹۴: ۱۶۸) بنا بر گردآمدگی دیالکتیکی مفاهیم دوگانه حرکت و سکون یا بی‌قراری و قرار به‌عنوان امری پویا و متعادل دربردارد (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۵). همچنین، سکونتگاه بینابینی است که ضرورت آن نیاز ذاتی انسان به تفسیر و کنش بر مبنای تجربه تغییر وضعیت‌های فضایی اوست (Soja, 2000: 19). چنین رویکردی را در معماری می‌توان در امر سکونت نزد نوربرگ شولتز بازشناخت.

۶-۳- مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز

«سکونت» نزد نوربرگ شولتز بنا به تعریف او در «سکونت و وجود»^{۱۳} در مفهوم سکونت^{۱۴} (۱۹۸۵) حاکی از نیاز وجودی به برقراری رابطه صمیمانه با مکانی معین جهت «احراز هویت» و «تعیین موقعیت» است؛ بنابراین آدمی وجودی «فضامند» است که هستی او به «سرگردانی»^{۱۵} در راه یافتن و رسیدن به مکانی

مربوط به threshold به معنی آستانه است. معنای Liminal ناظر بر مرحله انتقالی و بینابینی یا آغازین در یک فرایند و استقرار هم‌زمان در هر دو سوی یک مکان تحت‌عنوان آستانه است^{۱۶}. به این ترتیب گستره این مفهوم را در معماری می‌توان از «بخش پایینی درگاه» و «سطح شروع رخداد یا تأثیرگذاری چیزها» تا «نقطه/لحظه دقیقاً قبل از آغاز یک موقعیت یا دوره جدید در زندگی» در جریان سکونت در فضاهای مختلف در نظر گرفت (Cyril M, 2000: 1633).

منشأ اصطلاح آستانگی به مطالعات حوزه انسان‌شناسی بازمی‌گردد. بر این مبنای آستانگی مرحله دوم از فرایند سه‌مرحله‌ای گذار مابین جدایی از وضعیت پیشین و پیوستن به یک موقعیت جدید است (Turner, 1969: 94). زندگی/زمان در محدوده‌ها جریان دارد و انسان بنا به حصول شناخت از خود و جهان و اراده به تغییر و گذار از محدوده‌ها فرایندهای تغییر هویت و انتقال مابین موقعیت‌ها را تحت تجربه هستی^{۱۷} خود در جهان از سر می‌گذراند. به این ترتیب، آستانگی فضایی برای شناخت آدمی در نظر گرفته می‌شود؛ تنوع زمانی-مکانی آن نامحدود است و طیف متنوعی از افراد را در بر می‌گیرد (Thomassen, 2009: 14 & 16-17).

جایگاه آستانگی در زندگی از طریق نقش آن در شناخت حاصل از تجربه زندگی درون فضاها است. هر تجربه، بنا به فرایند گذار، شکل‌گیری محدوده انتقال از موقعیت و شخصیت پیشین به وضعیتی جدید است؛ به این ترتیب رویدادی یکه، گذرا و چندگانه در زندگی فرد میان دیگران به شمار می‌رود (Szakolczai, 2009: 147-8) و به همین اعتبار بین‌الذهانی^{۱۸} بودن از امری ذهنی به واقعیتی عینی تبدیل می‌شود (هوسرل، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۶). علاوه بر این، زندگی اساساً فضای تجربه‌های بی‌شمار میان تولد تا مرگ در مسیر رسیدن به وضعیتی مفروض است (Tversky, Zacks and Hard, 2008: 460).

به این ترتیب، اولاً ادراک و شناخت در بیرونی درونی‌شده حاصل می‌شود که منظر تازه‌ای به جهان را می‌گشاید (Heidegger, 1971: 154) (Heidegger,) و دوماً کنش و تجربه سازنده فضا و وجود و به این طریق خصلت ذاتی وجود است. این رویکرد



آن در لحظه رسیدن در آستانه نمود می‌یابد (Norberg Schulz, 1980: 9).

در این فرایند مفهوم «مرکز» به‌عنوان جایگاه گردآمدگی سطوح مختلف هستی و «هم‌زمان نقطه ماندن و جدایی» در پیوند با مفهوم «راه» امکان انتقال را بنا به دیالکتیک درون و بیرون در زمینه وحدت‌بخش «قلمرو» تحت‌عنوان «فضای وجودی» فراهم می‌کند (Norberg-Schulz, 1985: 20, 22-24). این فضای انتقال به‌عنوان یک «گشودگی»^{۱۹} در مرزها آشکارکننده روح مکان است موقعیت آستانگی راه‌گشاینده به هویت و موقعیت آدمی در هستی است (Spring Repenning, 2003: 9). به‌این ترتیب مفهوم «آستانه» در فرایند خلق درون بنیادی است (علی‌نیای مطلق، شکوری و عینی فر ۱۳۹۹، ۴۰) و کلیت شیوه‌های سکنی‌گزینی در محیط را دربردارد.

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- تبیین آستانگی بنا به دیالکتیک ماندن و سرگردانی در گستره شیوه‌های چهارگانه سکونت نزد نوربرگ شولتز

پدیده انتقال کیفیت ذاتی شیوه‌های سکونت و روابط میان آنها است. در گسترده‌ترین مقیاس، سکونت طبیعی تجربه گذار از محدوده‌های پیشین برای «رسیدن» به محدوده‌ای جدید درون چشم‌اندازی طبیعی از پایان سرگردانی و آغاز رابطه‌ای مبتنی بر تعلق خاطر با محیط است. در شیوه تجمعی انسان در میان مجموعه‌ای پیچیده و چندگانه دست به «گزینش» می‌زند؛ به‌این ترتیب از طریق پرداختن به نوعی کار بر هویت منحصر به فرد خود وقوف می‌یابد. در این صورت، ضمن تحقق بخشیدن به «فضامندی جمعی»^{۲۰} خود، در شکل‌گیری فضای سکونت به‌صورت معنادار و آزادانه «مشارکت» ورزیده است (Norberg-Schulz, 1985: 31, 50-51). درون این فضای انتقالی به‌عنوان جایگاه ماندن برای «دیدار» و «شنیدار» یکدیگر (آرنت، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۳) انسان می‌تواند و حق

مفروض برای «ماندن»^{۱۶} می‌گذرد. این فرایند دربردارنده مجموعه‌ای از شیوه‌های چهارگانه (طبیعی، تجمعی، عمومی و خصوصی) است که بنا به ابعاد مختلف وجود در محیط مصداق می‌یابند (جدول ۲).

با توجه به روشن شدن مفهوم آستانگی و سکونت، در ادامه پژوهش به بررسی رابطه آنها، جهت شناخت جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت، پرداخته می‌شود. جدول ۲- شیوه‌های سکونت نزد نوربرگ شولتز (مأخذ: نگارندگان)

شیوه چهارگانه سکونت		مصداق
طبیعی	انتخاب بخشی از محیط بنا به قابلیت‌های طبیعی آن	«آبادی» ^{۱۷}
تجمعی	دیدار و ملاقات با دیگران به‌منظور دادوستدهای اقتصادی، فرهنگی و تبادل احساسات	فضای شهری
عمومی	گردآمدن بر مبنای توافق بر اساس منافع و ارزش‌های مشترک	نهاد عمومی
خصوصی	پرداختن به ابعاد شخصیت فردی در جهانی شخصی	مسکن

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱- تبیین جایگاه آستانگی در امر

سکونت با توجه به ماهیت دیالکتیکی آن

باتوجه به رابطه دیالکتیکی مؤلفه‌های سرگردانی و ماندن در تجربه فرایند سکنی‌گزینی در مکان می‌توان استنباط کرد سکونت با زیستن در فضای «انتقال»^{۱۸} میان جدایی از وضعیت پیشین برای رسیدن به مکانی جدید طی سرگردانی در راه جست‌وجوی آن واقع می‌شود. در این بینابینیت، انسان به نیروی حافظه و خاطره در گسترش نقشه جغرافیایی ذهن و بازشناسی موقعیت خود در محیط توانمند است (Wolford, 2008: 4, 7, 29) (Turner, 1969: 95). به‌این ترتیب، با برقراری دوباره دیالکتیک سرگردانی و ماندن از تجربه مدام سرگردانی رها می‌شود. حاصل این تلاش باز یافتن فرصت آسایش و فضای تجربه احراز هویت و حس تعلق خاطر به مکان تا زمان عزیمت دوباره است که نوید



دیالکتیک سرگردانی و ماندن بنا به امکان آزادانه تعریف انتقال و ارتباط درون و بیرون در عمیق‌ترین حالت خود برقرار شده است. این ساز و کار با توجه به حالات شخصی و از طریق «گردآوری خاطرات و روابط بیرون» شکل می‌گیرد. به این ترتیب، مسکن با وجود امکان سرگردانی در بیرون و با مشارکت آزادانه فرد در چگونگی تعریف و تنظیم شیوه‌های دیگر سکونت تبدیل به خانه می‌شود (Wolford, 2008: 12, 21). مصداق این دریافت از «آزادی» و «مشارکت» را در نظر نوربرگ شولتز می‌توان در خصوص چستی طراحی مسکن توسط فرانک لوید رایت^{۲۲} بازشناخت. از منظر نوربرگ شولتز، خانه‌های رایت با فراهم آوردن مرکزی سیال و فراتر از کنج عزلت و امکان «گریز» از مرکز و «عزیمت» تعبیری جدید از سکونت را عینیت بخشیده‌اند (Norberg-Schulz, 1985: 99, 103). این نتیجه به‌عنوان «نشانه‌ای از مقصد» در اثر روابط درون-بیرون پدید آمده و هم‌زمان قابلیت تأمین آسایش درونی و گشودگی به بیرون را دارد (Norberg-Schulz, 2000: 317) (تصویر ۱ و ۲).

به این ترتیب، تجربه آئینی سکونت به شیوه‌های گوناگون، بنا به ماهیت چندبعدی انسان، کل هستی فضاوند او را در جهان به مثابه آستانه دربرمی‌گیرد (دانشمند و نقره‌کار، ۱۳۹۱: ۸۳)؛ چراکه وجود بنا به فضاوندی خود نه صرفاً به یک مکان بلکه به مکان‌های متعددی درون شیوه‌های چندگانه مربوط است (Norberg-Schulz, 20: 1971) و هر مسیر و لحظه رسیدن به جایی، به مثابه موقعیتی مرزی، حدود پیش رو/آنجا را همچون سرحدی تازه می‌نمایاند (Hallak, 2011: 132)؛ ضمن اینکه این موقعیت فراتر از محدودیت‌های جسم بنا بر نسبت اندیشه انسانی با فضا برای به حضور آوردن آن برقرار می‌شود (Heidegger, 1971: 154-155).

باتوجه به مشخص شدن ماهیت آستانه‌ای امر سکونت و ابعاد آن در رابطه با شیوه‌های مختلف، می‌توان مجموعه‌ای از فرایندهای دیالکتیکی را جهت رسیدن به چهارچوب شناخت جایگاه آستانگی در سکونت و آفرینش آن تعریف کرد.

دارد حیات خلاقانه خود را در میان دیگران بر مبنای «هم‌سخنی» و «مسئولیت‌پذیری» در قبال «آزادی» آنها در شکل‌دهی به نحوه سکونتشان طرح بریزد (کریستوا، ۱۳۹۸: ۱۱۸) (Levinas, 1998: 32). به این ترتیب، ماهیت زیباشناختی معماری بنا بر هدف خلق فضا بر مبنای اشتراکات جمعیت انسانی با نظر به همه تفاوت‌ها و تمایزهای آن تعریف می‌شود. این صورت‌بخشی نمادین شناخت و اتخاذ رویکرد انتقادی به اشتراکات و تفاوت‌ها، شکل‌گیری ارزش‌های مشترک جدید، برآمدن شیوه‌های تازه‌ای از هم‌زیستی و تغییر متقابل فضاها متناسب با زمانه را موجب می‌شود (وینترز، ۱۳۹۶: ۲۳۱، ۱۶۰-۱۵۲). بر این مبنای شیوه جمعی متناسب با ظرفیت و ماهیت خود در برقراری مبادلات گوناگون میان افراد، به‌عنوان جایگاهی آستانه‌ای میان دیگر شیوه‌ها، بعدی از نیاز وجودی به دیالکتیک سرگردانی و ماندن را تأمین می‌کند.

در شیوه سوم از چهارگانه سکونت، عمومی، هویت‌های فردی بر مبنای «توافق» با یکدیگر سکنی می‌گزینند. در این حالت «نهاد»، به‌عنوان آستانه، تفاوت‌ها را بنا به زمینه تاریخی-فرهنگی به رسمیت می‌شناسد و زندگی هرروزه را در موقعیت حال در پیوند با امور و مفاهیم ماندگار میان عموم افراد جامعه قرار می‌دهد (Norberg-Schulz, 1985: 71-72). به این ترتیب، هر فرد درجه‌ای عام از درون‌بودگی و حس تعلق خاطر به محیطی را که بنا به ارزش‌هایی مشترک دیالکتیک سرگردانی و ماندن را در میانه شیوه جمعی و خصوصی برقرار کرده و رو به آنها گشوده است تجربه می‌کند. در شیوه خصوصی، مسکن به مثابه آستانه‌ای است که جایگاه تجربه هم‌زمان وجود از خود دارای بعد اجتماعی و فردی است. انسان در این فضا در مشارکت برای آفرینش فضا، به‌یاری عشقی که مبنای «در-خانه-بودن»^{۲۱} را می‌سازد، تواناست (فلامکی، ۱۳۹۱: ۴۹، ۲۶) (Norberg-Schulz, 1985: 89, 91). در این موقعیت هر فرد درونی‌ترین تجربه خود از فضا را تحقق می‌بخشد، به این دلیل که



در «فصل مشترک‌های» نواحی مختلف فضا، جایی میانه فرم‌های گوناگون آن شکل می‌گیرند. تغییر متقابل انسان و محیط در نتیجه دیالکتیک‌های فضایی و اجتماعی در جریان کنش‌های هرروزه تحت‌عنوان دیالکتیک‌های از-آن-خود-سازی قابل‌تعریف است (Dovey 1985, 47-48). این روابط «نظمی مولد»^{۲۹} از «معانی» و «روابط» را جهت نمود حالت «نمایان-پنهان»^{۳۰} مطلوب فضاها بنا بر موقعیت‌های ذاتاً متغیر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی ساکنان در کالبد سکونتگاه ایجاد می‌کنند (Korosec-Serfaty, 1985: 72-73, 76).

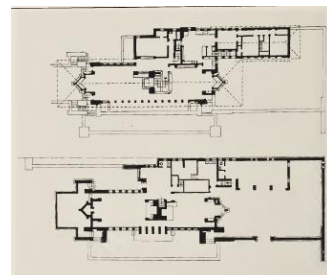
باتوجه به مشخص شدن ابعاد جایگاه آستانگی در سکونت از طریق فرایندهای دیالکتیکی سازنده آن، می‌توان مراتب مختلف درون‌بودگی متناسب با هر شیوه سکونت را در کلیت محیط، به‌مثابه آستانه، در مقیاس‌های به‌هم‌پیوسته‌ای تعریف کرد. به‌این‌ترتیب قابلیت‌های آستانه‌ای محیط، دربردارنده عرصه‌های گوناگون دارای بینابینیت نسبت به یکدیگر، در پاسخ به نیازهای چندگانه انسان نمودار می‌شوند.

۸-۱-۲- مقیاس‌ها، مکان‌ها و عرصه‌های

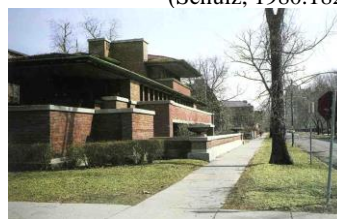
آستانه‌ای

باتوجه به اینکه انواع مقیاس‌ها باتوجه به شیوه‌های سکونت شامل آبادی، فضاها شهری، بناهای عمومی و مسکن هستند، می‌توان مصادیقی از مقیاس‌های مذکور را مطابق جدول ۳ در نظر گرفت. همچنین، باتوجه به کلیت محیط به‌مثابه آستانه و اصل تجربه فضا به‌مثابه آئین، می‌توان انواع مکان‌های آستانه‌ای را درون و بینابین این مقیاس‌ها با مرزبندی‌ای منعطف در نظامی سه‌بخشی شامل گذار از انواع مسیرها، دسترسی‌ها، فضاها خارجی و نماها؛ فضاها ورودی؛ و داخلی شامل ترکیبی از انواع فضاها در گستره‌ای از قلمروهای متنوع متمایز به‌هم‌پیوسته با فضای حرکت و مکث میانی تعریف کرد (نمودار ۱).

تعریف انواع مکان‌ها، بنابه تجربه گذار درون و میان مقیاس‌های مختلف محیطی، چهارچوب اولیه‌ای برای مطالعات آستانه‌ای شکل می‌دهد. این فرایند با مطالعه ویژگی‌های اساسی فضای آستانگی جهت شناخت



تصویر ۱- پلان‌های خانه رومی (مأخذ: Norberg-Schulz, 1980:182)



تصویر ۲- دید کلی به خانه رومی (مأخذ: Norberg-Schulz, 1985)

۸-۱-۸- دیالکتیک‌های سازنده فضای

سکونت با رویکرد آستانه‌ای

فرایندهای دیالکتیکی در امر سکونی‌گزینی نزد نوربرگ شولتز را می‌توان در سه بخش تعاملی به‌ترتیب متناظر با جنبه‌های «تعیین موقعیت» و «احراز هویت» در زمینه «ارتباط دوسویه میان انسان و محیطی مفروض» تحت‌عنوان دیالکتیک‌های «فضایی»^{۳۱}، «اجتماعی»^{۳۲} و «از-آن-خود-سازی»^{۳۳} دسته‌بندی کرد. دیالکتیک‌های فضایی ناظر بر کنش جابه‌جایی میان درون و بیرون (Norberg-Schulz, 1985: 15) دربردارنده روابط میان مفاهیم مرتبط با درجه «گشودگی-بستگی»^{۳۴} هر مکان به‌گونه‌ای است که پدیده «خانه» را در کالبد یک مکان آشکار و موقعیت انسان را جایی میانه «در-خانه-بودن»^{۳۵} و «مشتاق-خانه-بودن»^{۳۶} تعریف می‌کنند (Dovey, 1985: 46). در این حالت پدیدار درون و بیرون وابسته به «برقراری رابطه متقابل مکان‌ها و فضای پیرامون آنها» در فضای انتقال است که «تداوم» را از طریق گشودگی فضا موجب می‌شود (Norberg-Shulz, 1971: 25). دیالکتیک‌های اجتماعی ناظر بر روابط بین جنبه‌های فردی و جمعی خود از طریق نمود مفاهیمی چون خود-دیگری، خصوصی-عمومی درون دیالکتیک‌های فضایی است. به‌این‌ترتیب فضای انتقالی



دیگری برای ماندن است (Norberg-Schulz, 1985: 13). در این زمینه، بودن «در جهت» یافتن مکانی دیگر و وجود واژه‌های «پیش» و «پس» نشان‌دهنده جایگاه انتقال در کنش سکونت است (Norberg-Schulz, 21: 1971). به این ترتیب می‌توان استنباط کرد فضای سکونت از دیدگاه آستانگی **سلسله‌مراتبی** است.

همچنین سکونت به‌عنوان نتیجه فرایند همواره دیالکتیکی ماندن و سرگردانی میان مراکز و راه‌ها (Norberg-Schulz, 1985: 13)، به‌لحاظ وجودی، اساساً امری **پویا** است.

از طرف دیگر، مبنای دیالکتیک سرگردانی و ماندن ضرورت وجود یک مرکز/درون متمایز در پیوند با دیگر مراکز/بیرون را از طریق راه [جهت ورود و خروج] آشکار می‌کند. علاوه بر این، فضای سکونت فضای تجربه موجودیت منحصر به فرد هر انسان در میان دیگران در مقیاس‌های گوناگون است (Norberg-

Schulz, 1985: 13, 23) در نتیجه در رویکرد آستانه‌ای می‌توان آن را به‌عنوان فضایی بینابین و جایگاه روابط دیالکتیکی موقعیت‌های دوگانه دارای **ماهیت انحصالی-اتصال**ی تعریف کرد. به این ترتیب فضای سکونت، اساساً حاصل نفوذ بیرون به درون و کشیدگی درون به سمت بیرون است (Norberg-Schulz, 25: 1971). در نتیجه از رویکرد آستانگی **گشوده** و **نفوذپذیر** نیز هست.

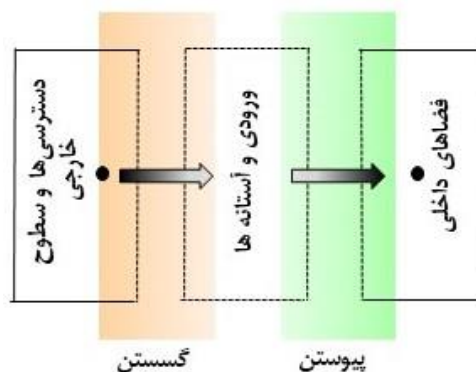
به‌عنوان مثال و باتوجه به نظر نوربرگ شولتز، در بنای *ویلا مایره*^{۳۱} اثر *آلوار آلتو*^{۳۲} فضاهای بینابین خارجی از جمله «سایبان تزئینی در ورودی» (تصویر ۴)، «پنجره‌های شیشه‌ای نشیمن»، «تراس مسقف» و «حیاط»، همچون مفصل، داخل و پیرامون بنا را به هم پیوند داده و از هم متمایز ساخته‌اند. در سمت داخلی نیز به‌وسیله کاربرد ریتمیک «دیوارها» و «ستون‌ها» هر فضا، در ارتباط با زمینه اثر و کارکرد آن (تصویر ۵)، «مکان»هایی «مفصل‌بندی شده» دارای خصلت‌های گوناگون در «کلیتی واحد» دارای ماهیت «انتقالی» را ایجاد کرده‌اند (Norberg-Schulz, 2000: 234).

خانه *توگنهات*^{۳۳} اثر میس فان در روهه^{۳۴} نیز، باتوجه به آرای نوربرگ شولتز، می‌تواند مثال دیگری از ماهیت

مجموعه‌ای از معیارها برای بررسی جایگاه آستانگی و چگونگی نمود آن از طریق فرایندهای دیالکتیکی سکونت در انواع فضاها در گونه‌های مختلف معماری ادامه می‌یابد. نتایج حاصله در شرایط زمانی و مکانی مختلف هر فضا باتوجه به بستر طبیعی، انسانی و کالبدی آن قابل بازتعریف هستند.

جدول ۳- مصادیق آستانگی در مقیاس‌های مختلف محیط (مأخذ: نگارندگان)

مقیاس‌های محیطی	مصادیق آستانگی
آبادی	عناصر طبیعی بارز، دروازه، مناره
فضاهای شهری	میدان، خیابان، بازار
نهاد عمومی	دانشگاه، مدرسه
مسکن	فضاهای بینابین در گستره فردی تا جمعی نظیر راهرو، فضاهای نیمه‌باز، پیش‌ورودی



نمودار ۱- عرصه‌های مختلف بنا با توجه به مفهوم گذار (مأخذ: نگارندگان)

۱-۳-۸- ویژگی‌های فضای سکونت با

رویکرد آستانه‌ای

به‌طور کلی بررسی ویژگی‌های اساسی فضاها با رویکرد آستانه‌ای به سکونت باتوجه به مؤلفه انتقال و جهت‌داری گذار انجام می‌شود (علی‌نای مطلق، شکوری و عینی‌فر، ۱۳۹۸: ۵۵ و ۵۰). در این راستا باتوجه به بررسی انجام شده در خصوص جایگاه آستانگی در سکونت نزد نوربرگ شولتز و تبیین آستانگی درون شیوه‌های چهارگانه می‌توان نتیجه گرفت ضرورت رخداد سکونت و تحقق فرایندهای از-آن-خود-سازی تغییر و جابه‌جایی در محیط طی فرایند جدایی از یک موقعیت به سوی موقعیت

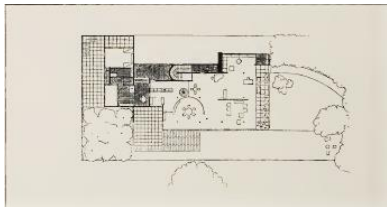


«دیوارهای پیوسته» دارای «پنجره سراسری در ناحیه پیوند با بام» در این راستا به کار گرفته شده‌اند (تصویر ۳) (Norberg-Schulz, 1980: 175, 182).

فضای سکونت، همچنین، دربردارنده و گردآورنده چندگانگی‌ها، تفاوت‌ها و تمایزها در زمینه شابهت‌ها و اشتراکات جمعیت انسانی خود درون شیوه‌های گوناگون سکونت است و از این طریق امکان تغییر وجودی، شناخت و آگاهی به هویت و موقعیت، در زندگی را فراهم می‌کند (Norberg-Schulz, 1985: 13). به این ترتیب، از رویکرد آستانگی، فضایی چندگانه، تنوع‌پذیر و پویا و همچنین، در حکم جایگاه تغییر، انعطاف‌پذیر است. در این راستا می‌توان با توجه به نظر نوربرگ شولتز طراحی خانه آندره/یز^{۳۶} اثر پورتوگزی^{۳۷} و جیلیوتی^{۳۸} را به عنوان مصداق در نظر گرفت (تصویر ۷) (Norberg-Schulz, 1971: 66 & 68) در این بنا در نتیجه روابط مجموعه‌ای پویا از فضاهای سکون و حرکت و گردآورنده

انفصالی-اتصال باشد. در این بنا طراحی مبتنی بر ترکیب فضایی از مرحله ورودی به بنا از طریق دیوار منحنی پیونددهنده درون تا بیرون تا تقسیم‌بندی فضاهای داخلی به وسیله طراحی بخش‌های مختلفی چون دیوارها، ستون‌ها، بام، سایبان و تراس تمایز-پیوند هم‌زمان را پدید آورده است. این امر با توجه به درجه محصوریت و گشودگی کارکردی فضاهای مرتبط و مبتنی بر سازه، به عنوان عامل انعطاف‌پذیری و هماهنگی کلیت فضا، صورت پذیرفته است (تصویر ۶) (Norberg-Schulz, 1980: 196-198).

همچنین، بنا بر آراء نوربرگ شولتز، خانه‌های رایج تجسم‌بخش گشودگی هستند؛ از آنجاکه در آنها با پرهیز از «انسداد» و به کارگیری «صفحات افقی و عمودی» فضای انتقال میان درون و بیرون متناسب با «جهت‌ها و کارکردها»ی در نظر گرفته شده شکل گرفته است. برای مثال در خانه ایزابل رابرتس^{۳۵} «تراس‌ها، ایوان‌ها» و



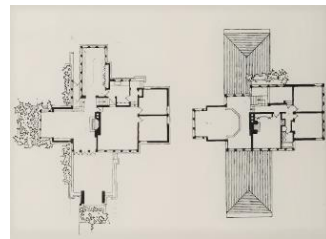
تصویر ۶- پلان همکف خانه توگنجات (مأخذ: Norberg-Schulz, 1980: 196)



تصویر ۷- عرصه‌بندی پویا در طرح آندره ایز (مأخذ: Norberg-Schulz, 1971: 67)



تصویر ۸- مجموعه خانه‌های آپارتمانی میس‌فان درروهه در کوی وایسن‌هوف (مأخذ: Norberg-Schulz, 1980)



تصویر ۳- پلان‌های طبقات اول و دوم خانه ایزابل رابرتس (مأخذ: Norberg-Schulz, 1980: 174)



تصویر ۴- دید به ورودی ویلا مایره‌آ (مأخذ: Curtis, 2002: 347)



تصویر ۵- فضای داخلی ویلا مایره‌آ (مأخذ: Curtis, 2002: 348)

مفصل‌بندی عناصر نمود «استقلال» و ناظر بر تعیین حدود و چگونگی تلاقی آنها جهت ایجاد پیوستگی و تمایز هم‌زمان میان مراکز و بخش‌های مختلف فضا است (مایس، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۰) (الکساندر، ۱۳۹۶: ۱۹۳، ۱۶۲). در این راستا، فضای مابین با استفاده از «تضاد» و «تناسب» حاصل از تنظیم روابط میان مصالح، شکل فرم‌ها، مفاهیم و عناصر سازنده و شیوه کاربرد فضاهای پیش و پس کیفیات دوگانه فضای انتقال را در زمینه مشترکی از کالبد، طبیعت و فرهنگ گرد هم می‌آورد (گروتز، ۱۳۸۸: ۳۷۶، ۳۶۲-۳۵۵). در این فضا نمادهای مشترکی همچون تزئین و عناصر قراردادی در جهت ایجاد تعادل ناهمسانی‌ها عمل می‌کند. به این ترتیب، ماهیت انفصالی-اتصال با حفظ تداوم زمانی حاصل از تداعی خاطرات در جریان دیالکتیک‌های فضایی نظم پویای محیط را بهره‌مند از قابلیت نفوذپذیری و گشودگی به رسمیت می‌شناسد (Norberg-Schulz, 1988: 181).

۸-۲-۳- گشودگی و نفوذپذیری

گشودگی، به معنای هم‌زمان درون‌گرا و برون‌گرا بودن، تجسم فضای واسط از طریق روش‌هایی چون «کنارهم‌گذاری و نفوذپذیری متقابل» کالبدی برای تبیین گذار میان دوگانه‌های محیطی است (مایس، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۴). به این ترتیب، این شاخصه قابلیت‌های فضا را در مواردی چون رابطه با طبیعت و قدرت انتخاب انسان برای دسترسی و جابه‌جایی افزایش می‌دهد. علاوه بر گشودگی و نفوذپذیری، فرایند آفرینش فضای آستانه‌ای، متضمن اصل انعطاف‌پذیری است.

۸-۲-۴- انعطاف‌پذیری

ضرورت انعطاف‌پذیری فضای سکونت از دیدگاه آستانگی در پاسخ به تأمین فضای مطلوب ساکنان از جهت درجه گشودگی و بستگی لازم برای تنظیم میزان و نحوه پدیداری درون در رابطه متقابل با بیرون مطرح می‌شود (Gauvain and Altman, 1982: 28). در این زمینه، علاقه‌مندی‌ها، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و نشانه‌های شخصی و جمعی ساکنان در راستای تحقق دیالکتیک‌های از-آن-خود-سازی فضا به

عناصر مختلف بیرون و درون مراتبی از عرصه‌های مختلف شکل گرفته است.

همچنین از نمونه‌های انعطاف‌پذیری نزد نوربرگ شولتز می‌توان به بنای بزرگ آپارتمانی میس‌فان درروه در کوی وایسن‌هف^{۳۹} اشتوتگارت (۱۹۲۷) اشاره کرد. در این بنا سازه فولادی با فراهم کردن امکان آزادی در کاربرد فضاهای داخلی و در نظر گرفتن تیغه‌های ثانویه برای تغییر فضاهای داخلی مطابق نیازهای کاربر و همچنین ایجاد تنوع در طرح آپارتمان‌ها (تصویر ۸)، در همین راستا، به «سازگاری» و انعطاف‌پذیری آن افزوده شده است. (Norberg-Schulz, 1980: 199).

به این ترتیب، تبیین مجموعه ویژگی‌های فضاهای سکونت با رویکرد آستانگی به آن امکان حصول چهارچوبی نظری برای بررسی جایگاه آستانگی در فضاهای سکونت را فراهم می‌کند.

۸-۲-۵- بسط و تبیین ویژگی‌های فضاهای سکونت با رویکرد آستانه‌ای به آن

بررسی ویژگی‌های سازنده فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای، در گفتار معمارانه، با تأکید بر تعامل، نقش و تفاوت درجات تأثیرگذاری هریک در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون انجام می‌شود.

۸-۲-۶- سلسله‌مراتب دسترسی و فضایی

سلسله‌مراتب مربوط به مشخص کردن تفاوت ارزش‌های عناصر معماری به لحاظ بصری و معنوی (گروتز، ۱۳۸۸: ۳۸۲) در تعیین مراتب و عرصه‌های درجه‌بندی‌شده از طریق تعریف روابط مطلوب درون و بیرون متناسب با سطوح چندگانه رفتاری انسان است (چرمایف و الکساندر، ۱۳۹۴: ۱۵۲). این شاخصه در برقراری دیالکتیک‌های از-آن-خود-سازی و شکل‌گیری روابط متقابل میان سایر ویژگی‌ها نقش و جایگاه اساسی دارد. در نتیجه این سازوکار کلیدی هماهنگ مبتنی بر تعریف مرزها به گونه‌ای شکل می‌گیرد که ویژگی آن ذیل مفهوم «انفصال-اتصال» فضایی قابل توضیح است.

۸-۲-۷- ماهیت انفصالی-اتصال در عوامل

کالبدی



۸-۳- عوامل مؤثر بر طراحی فضای سکونت از دیدگاه آستانگی در انواع مقیاس‌های محیطی

باتوجه به ویژگی‌های آستانه‌ای فضای سکونت، می‌توان عوامل مؤثر بر آنها را در مقیاس‌های مختلف سکونت موردبررسی قرارداد. آستانگی در مقیاس آبادی [افزون بر توجه به عناصر طبیعی محیط] مربوط به طراحی عناصر بارز در لحظه رسیدن به‌گونه‌ای است که با حوزه‌بندی محیط بر کنش ورود دلالت کرده و باتوجه به فرم و مقیاس متناسب با زمینه کالبدی، طبیعی و انسانی خود تجربه حرکت را به رسیدن تبدیل کنند (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۳۰).

در مقیاس‌های درونی‌تر از آبادی، فضاهای جمعی و عمومی را مدنظر داریم. در این مقیاس می‌توان به عواملی چون مرزبندی‌های منعطف و شفاف، تأمین دسترسی‌های متعدد و ورودی‌های دعوت‌کننده، بهره‌مندی مطلوب از عوامل طبیعی، تعریف فضاهای بینابین کاربردی در لبه‌ها بنا به نیازهای فرهنگی و اجتماعی مشترک جمعیت موردنظر، ضمن توجه به حریم داخلی هر بخش، اشاره کرد (بتلی، الکک، مورین، گلین و اسمیت، ۱۳۹۶: ۲۴-۱۵). افزون‌براینها، تنوع فضاهای مطلوب برای نشستن، راه رفتن و ایستادن و اندازه و ابعاد متناسب با جمعیت محدوده قابل توجه است (وایت، ۱۳۹۲).

از عوامل مؤثر بر عینیت‌بخشی به ویژگی‌های آستانه‌ای در گونه مسکن وجود زمان لازم برای فرایند تدریجی شکل‌گیری حس سکونت؛ تعریف قلمروها با توجه به موقعیت و هویت ساکنان در بستر فرهنگی-اجتماعی؛ بهره‌مندی مطلوب از عوامل طبیعی به‌جهت تقویت دیالکتیک‌های درون و بیرون؛ و نحوه ارتباط بنا به‌عنوان کالبدی متمایز در پیوند با همجواری هستند (اردلان، لوئیس‌سرت، دوشی، صفدی و کندیلیس، ۱۳۸۹: ۳۹-۱۹). علاوه‌براین، تعریف ورودی متناسب با الگوهای رفتاری در زمینه اجتماعی و توجه به افزایش آگاهی ادراک‌گذار در آنها ضروری است. این امر وابسته به ایجاد تغییر در عواملی چون درجه روشنایی، جریان هوا و سطوح میان درگاه و خیابان، تنوع در کاربرد گیاهان، نحوه جانمایی بازشوها و فضای نیمه‌باز، باز و کیفیات و

کار گرفته می‌شوند. در این راستا، پرهیز از مطلق‌انگاری مفاهیم و شیوه‌ها و حذف اصل نظر، خواست و تجربه ساکنان از فرایند طراحی تا ساخت هر مکان ضروری است (Smith, 2011: 2 & 5). به این ترتیب، شاخصه انعطاف‌پذیری می‌تواند در راستای تغییر موقعیت افراد از «کاربر»^{۴۰} به «سکنی‌گزیده»^{۴۱} عمل کند: (Hill, 1998: 4-5).

۸-۲-۵- گوناگونی

گوناگونی در فرایند شکل‌گیری فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای به‌عنوان شاخصه‌ای در راستای انعطاف‌پذیری و چندعملکردی بودن فضا عمل می‌کند. به این ترتیب، تغییر، تنوع و اندرکنش فعالیت‌ها متناسب با عنصر زمان و زمینه فرهنگی و اقتصادی و تنوع کاربری‌ها، فرم‌ها و سطوح قابلیت مکان‌ها را برای ارائه طیف وسیع‌تری از تجربیات غنا می‌بخشد (بتلی، الکک، مورین، گلین و اسمیت: ۱۳۹۶: ۷۴-۵۹).

۸-۲-۶- پویایی

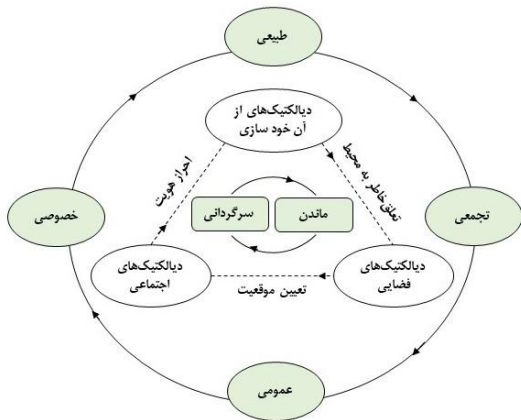
نقش پویایی در شکل‌گیری فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای مربوط به مؤلفه زمان در کنش جابه‌جایی و نیز پیوند گذشته و آینده در حال طی تحول متقابل افراد و مکان‌ها در زمینه فرایندهای دیالکتیکی سکونت است (Dovey, 1985: 43). به این ترتیب تنوع حاصل از ترکیب و بسط انواع فضاها با توجه به عواملی چون راه‌ها، ستون‌ها، رواق‌ها؛ تزئین؛ پوشش گیاهی؛ آب جاری؛ نور و جریان هوا جهت ایجاد آستانگی در فضا از طریق پویایی به کار گرفته می‌شود (گروتز، ۱۳۸۸: ۴۲۶-۴۱۰، ۳۹۳). در این راستا، پویایی همچنین حاصل شکل‌گیری انواع روابط انسانی، با توجه به کاربری فضا، و تنوع در نحوه کاربرد فضا و اشیا است.

با مشخص شدن ویژگی‌های اساسی انواع فضای سکونت و بنابر ضرورت نمود آنها در کلیت محیط به‌مثابه آستانه، عوامل مؤثر بر طراحی فضای سکونت از دیدگاه آستانگی در مقیاس‌های مختلف قابل بررسی هستند.



جدول ۴- مصادیق بررسی شده در آرای نوربرگ شولتز بر مبنای ویژگی‌های فضاهای سکونت با رویکرد آستانگی (مأخذ: نگارندگان)

مصادیق	شاخصه مورد نظر
خانهٔ ایزابل رابرتس	حصول گشودگی با استفاده از فضاهای نیمه باز، پیوستگی دیوارها و طراحی پنجره‌های سراسری میان آنها و بام
ویلا مایره‌آ	ایجاد تمایز و پیوند میان فضاهای داخلی و خارجی و انواع فضاهای داخلی از طریق کاربرد ریتمیک عناصر فضایی مختلف همچون مفصل
خانهٔ توگنهایت	به کارگیری انواع عناصر جهت ایجاد فضای ترکیبی انفصالی-اتصال از ورودی تا داخل
خانهٔ آندرمایزر	پویایی روابط فضاهای درنگ و حرکت ضمن گردآوری عناصر درون و بیرون به طور هم‌زمان جهت انفصال و اتصال
بنای آپارتمانی میس فان درروهه	اتخاذ رویکرد انعطاف‌پذیر در طراحی و اجرای سازه جهت تأمین فضا متناسب با نیاز کاربر



نمودار ۲- آستانگی در مفهوم سکونت و مجموعه روابط دیالکتیکی آن در شیوه‌های چهارگانهٔ سکونت بر مبنای آرای نوربرگ شولتز (مأخذ: نگارندگان)

همچنین، با در نظر گرفتن کلیت محیط به‌مثابهٔ آستانه و بنا بر شیوه‌های چهارگانهٔ سکونت نزد نوربرگ شولتز، محیط در مقیاس‌های متمایز و به‌هم‌پیوستهٔ [آستانه‌ای] آبادی، فضاهای شهری، بناهای عمومی و مسکن قابل‌تعریف است. هرکدام از مقیاس‌ها انواع مکان‌ها شامل مسیرها و دسترسی‌ها، فضاهای خارجی و نماها؛

کمیت آنها است (مایس، ۱۳۹۲: ۱۸۶-۱۸۴). در این راستا، توجه به تأمین امنیت و آسایش متناسب با شیوهٔ سکونت خصوصی و قابلیت مطلوب تغییرپذیری جزئیات فضاها در راستای حفظ انعطاف‌پذیری فضای مورد نظر ضروری است.

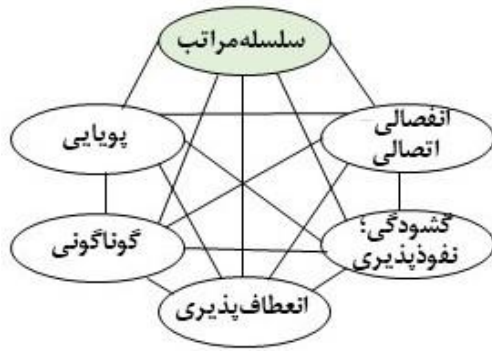
۹- نتیجه تحقیق

در راستای اهداف پژوهش و پاسخ به سؤال چستی جایگاه آستانگی در مفهوم «سکونت» نزد نوربرگ شولتز، ویژگی‌های اساسی فضاهای سکونت و عوامل مؤثر بر طراحی آنها از دیدگاه آستانگی، مطالعات انجام شده بر مبنای آرا و برخی مصادیق مطرح شده توسط او (جدول ۴) نشان می‌دهد آستانگی به‌عنوان موقعیتی فضا-زمان و شناختی، که بستر تجربهٔ انتقال میان موقعیت‌ها و تحول انسان فضا ماند در طول زندگی است، در مفهوم سکونت دارای جایگاه بنیادی است. به این ترتیب که، بنا بر بنیان انسانی و ماهیت همواره دیالکتیکی رابطهٔ «ماندن» و «سرگردانی» امر سکونت، انسان به دنبال تمنای مکان دیگر جهت پیوند صمیمانه با آن و احراز هویت و تعیین موقعیت خود در جهان محیط را به‌مثابهٔ تجربهٔ آئینی گذار ترک و پس از تجربهٔ سرگردانی بینابین مراکز و راه‌های جدید، با اتکا به نیروی حافظه و خاطره، به مکانی جدید پیوسته و آغازی از استقرار دوبارهٔ خود در جهان را تجربه می‌کند.

علاوه بر این، آستانگی گسترهٔ شیوه‌های چهارگانهٔ سکنی‌گزینی و روابط آنها را در برمی‌گیرد و در چارچوب ارتباط دوسویه با محیط، ذیل مقولات «هویت» فردی و جمعی و «موقعیت» در هستی، جایگاه بنیادی «انتقال» را برای هستی-در-جهان و شکل‌گیری مجموعه روابط دیالکتیکی سازندهٔ فضاهای سکونت (فضایی، اجتماعی و از-آن-خود-سازی) مشخص می‌کند (نمودار ۲).

بنابراین رویکرد، اثر معماری تجسم شناخت و تفسیر انسان از خود و جهان بر اساس مؤلفه‌های «زمان» و «مکان» در جریان دیدن و شنیدن دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال آزادی و ضرورت مشارکت آنها در آفرینش فضاها است و بر همین اساس ماهیت زیباشناختی خود را در بنیاد انسانی‌اش آشکار می‌کند.





نمودار ۳- ویژگی‌های فضاهای آستانه‌ای سکونت در معماری (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۵- ویژگی‌های فضاهای آستانه‌ای با توجه به جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز (مأخذ: نگارندگان)

ویژگی فضاهای آستانه‌ای در معماری	تبیین جایگاه آستانگی در مفهوم سکونت نزد نوربرگ شولتز
سلسله مراتب	تغییر و جابه‌جایی میان مراکز و راه‌ها طی فرایند جدایی از یک موقعیت در جهت رسیدن به دیگری در راستای فرایندهای از-آن-خود-سازی محیط
پویایی	فرایند همواره دیالکتیکی ماندن و سرگردانی میان مراکز و راه‌ها
ماهیت انفصالی-اتصال	پیوند و تمایز درون (مرکز) با بیرون از طریق راه، فضای تجربه فردیت در میان دیگران،
گشودگی و نفوذپذیری	نفوذ بیرون به درون و کشیدگی درون به بیرون؛
گوناگونی	گردآورنده چندگانگی‌ها [افراد، عناصر و مکان‌ها] درون شیوه‌های چهارگانه
انعطاف‌پذیری	فضای تغییر وجودی و شناخت و آگاهی به هویت و موقعیت

فضاهای ورودی و فضاهای داخلی را در کلیت عرصه‌های سه‌گانه گسستن، میانی و پیوستن در گستره‌ای از قلمرو خصوصی تا عمومی و در انواع فضاهای بسته، نیمه‌باز و باز دربرمی‌گیرد.

علاوه بر این، بنا به بررسی انجام شده در خصوص جایگاه آستانگی در مفهوم دیالکتیکی سکونت و شیوه‌های چهارگانه آن نزد نوربرگ شولتز، ویژگی‌های فضای آستانگی سکونت در گفتار معمارانه قابل بازشناسی هستند. به این ترتیب، با توجه به جدول ۵ می‌توان بنا بر اصل «سلسله مراتب دسترسی و فضایی»، ناظر بر تفاوت ارزش‌ها و تغییر عناصر معماری در جهت شکل‌گیری عرصه‌های درجه‌بندی شده و جهت‌دار گذار در طول فرایندهای از-آن-خود-سازی، سایر ویژگی‌های اساسی فضای آستانه‌ای سکونت را تعریف کرد. به این ترتیب، «ماهیت انفصالی-اتصال در عوامل کالبدی» ناظر بر تمایز و پیوند محدوده‌ها از طریق روابط دیالکتیکی مصالح، عناصر، کاربردها و مفاهیم دربردارنده ویژگی دیگر فضای سکونت از دیدگاه آستانگی است. در این راستا فضای آستانه‌ای بنا به کیفیات حاصل از شکل‌گیری روابط درون-بیرون برای تبیین گذار بین انواع عرصه‌های دوگانه محیط و دسترسی‌ها از «گشودگی و نفوذپذیری» نیز برخوردار است. ویژگی دیگر «انعطاف‌پذیری» فضاها و سازوکارهای مفهومی، برنامه‌ریزی و اجرایی طرح‌ها در پاسخ به ضرورت تأمین درجه مطلوب گشودگی-بستگی مطلوب فضا برای ساکنان است. سایر ویژگی‌ها مربوط به ایجاد فضاهای چندعملکردی و پذیرنده افراد و فعالیت‌های مختلف تحت عنوان «گوناگونی»؛ و «پویایی» فضا از طریق مؤلفه‌های زمان و حرکت و بنا به تنوع و تغییر انواع روابط میان عناصر و افراد در نظام فضایی-اجتماعی از-آن-خود-سازی فضا هستند. کلیه ویژگی‌ها در رابطه درونی با یکدیگر و بنا به شرایط زمانی و مکانی هر فضا قابل بازتعریفاند (نمودار ۳).

• به دنبال مشخص شدن جایگاه آستانگی در سکونت و ویژگی‌های اساسی فضاهای سکونت از دیدگاه آستانگی، می‌توان مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر آستانگی را در مقیاس‌های چهارگانه سکونت موردنظر قرار داد. در این راستا، در مقیاس آبادی می‌توان به وجود عناصر بارز دلالت‌گر بر کنش ورود متناسب با بسترهای سازنده



۱۰- تشکر و قدردانی

با سپاس از راهنمایی اساتید محترم.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

- ^۱ به طور ویژه نزد ون‌گنپ (Arnold Van Gennep) و ترنر (Victor Turner)
- ^۲ to stand
- ^۳ to set
- ^۴ نک: merriam-webster
- ^۵ existence
- ^۶ intersubjectivity
Longman dictionary of contemporary English بنا به
- ^۸ house
- ^۹ home
^{۱۰} بنا به The Latin Dictionary، افعال "live"، "inhabit"، "dwell" بازگوکننده معنی habitare هستند.
- ^{۱۱} بنا به معجم الوسيط
- ^{۱۲} بنا به مفردات الفاظ القرآن
- ^{۱۳} "Dwelling and existence"
- ^{۱۴} The concept of dwelling: On the way to figurative architecture
- ^{۱۵} wandering
- ^{۱۶} staying
- ^{۱۷} Settlement
آبادی صرفاً به معنای روستا نیست بلکه بر مرحله اولیه سکنی‌گزینی به معنی مکان انتخاب‌شده برای سکونت در یک منظر طبیعی است (Norberg-Schulz, 1985: 31).
- ^{۱۸} transition
- ^{۱۹} opening
- ^{۲۰} Spatiality of fellowship
^{۲۱} در این پژوهش میان دو واژه خانه/home، به عنوان مفهومی حاکی از حس سکونت فراتر از گونه‌ای خاص در معماری، و مسکن/house، به عنوان گونه مسکونی بناها در معماری، تمایز وجود دارد.
- ^{۲۲} Frank Lloyd Wright
- ^{۲۳} Spatial
- ^{۲۴} Social
- ^{۲۵} Appropriation
- ^{۲۶} openness/closedness
- ^{۲۷} Being- at- home
- ^{۲۸} Tearing-for-home

آنها اشاره کرد. در فضاهای جمعی و بناهای عمومی عواملی چون انعطاف و شفافیت مرزها، دسترسی‌های متعدد، ورودی‌های دعوت‌کننده، بهره‌مندی مطلوب از عوامل طبیعی در راستای تقویت دیالکتیک‌های فضایی، تعریف فضاهای بینابین کاربردی در لبه‌ها بنا به جانمایی فعالیت‌های مشترک و گستره دید/چشم‌انداز مطرح هستند؛ همچنین تنوع فضاهای مطلوب برای نشستن، راه رفتن و ایستادن و ابعاد متناسب با جمعیت محدوده و تعریف حریم داخلی بناها متناسب با زمینه‌های مورد توافق در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند. عینیت‌بخشی به ویژگی‌های آستانگی در مقیاس مسکن شامل مواردی چون زمان تدریجی لازم برای شکل‌گیری حس سکونت در جهت تقویت حس مالکیت و تغییرات متناسب با نیازهای آینده؛ تعریف قلمروها متناسب با موقعیت، هویت و نیازهای ساکنان در بستر فرهنگی-اجتماعی؛ بهره‌مندی مطلوب از عوامل طبیعی؛ و نحوه پیوند و تمایز بنا و همجواری است. علاوه بر این، تعریف ورودی متناسب با الگوهای رفتاری ساکنان در زمینه اجتماعی-فرهنگی هر محیط و توجه به افزایش آگاهی ادراک گذار از دیگر عوامل مؤثر بر طراحی آستانه‌ای فضا در مقیاس مسکن است. این کیفیت از طریق تغییر عواملی چون درجه روشنایی، جریان هوا، سطوح میانی و گیاهان؛ نحوه جانمایی بازشوها و فضای نیمه‌باز، باز و کیفیات و کمیت آنها قابل شکل‌گیری است. در این زمینه توجه به امنیت و آسایش متناسب با شیوه سکونت خصوصی و قابلیت تغییرپذیری جزئیات فضاها در راستای حفظ انعطاف‌پذیری آنها ضروری است.

به این ترتیب، با مشخص شدن جایگاه اساسی آستانگی در مفهوم دیالکتیکی سکونت و تبیین آن درون شیوه‌های چهارگانه، مجموعه ویژگی‌های اساسی فضای سکونت از دیدگاه آستانگی و عوامل مؤثر بر طراحی آنها در مقیاس‌های مختلف و عرصه‌های سه‌گانه گذار از آنها به عنوان چهارچوبی نظری جهت بررسی و ارزشیابی و طراحی انواع گونه‌های فضایی در گستره شیوه‌های مختلف سکنی‌گزینی در معماری از دیدگاه آستانگی تعریف شده‌اند و امید است در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرند.



[ortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author](https://www.sid.ir/paper/484211/fa)

- ایلکا، شاهین [و دیگران]. ۱۳۹۴. تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی. مدیریت شهری ۱۴(۳۹): ۱۶۵-۱۸۸.

<https://www.sid.ir/paper/484211/fa>

- بتلی، ای‌ین [و دیگران]. ۱۳۹۶. محیط‌های پاسخده. ترجمه مصطفی بهزادفر. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=7352054&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۹۹. اصول طراحی دالان‌های دروازه‌ای شهر. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=6109863&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- چرمایف، سرگیوس ایوان و الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۴. عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی به‌جانب یک معماری انسانی. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=901894&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- حسن‌دوست، محمد. ۱۳۹۳. فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=668034&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- دانشمند، سارا و نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۱. چگونگی طراحی ورودی بنا با توجه به اصول شکل‌گیری

²⁹ Generating order

³⁰ visible-hidden

³¹ Villa Mairea

³² Alvar Aalto

³³ Tugendhat

³⁴ Ludwig Mies van der Rohe

³⁵ Isabel Roberts

³⁶ Casa Andreis

³⁷ Paolo Portoghesi

³⁸ Vittorio Gigliotti

³⁹ Weissenhofsiedlung

⁴⁰ User

⁴¹ Dweller

۱۲- منابع فارسی و لاتین

- آرنز، هانا. ۱۳۸۹. وضع بشر. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2226008&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- اردلان، نادر [و دیگران]. ۱۳۸۹. منشور حقوق اسکان. ترجمه فریض فرهپور. تهران: یادآوران.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=4732448&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۶. سرشت نظم (جلد نخست: پدیده حیات). ترجمه رضاسیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=5467956&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- انوری، حسن. ۱۳۸۲. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=696763&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author



[ULL_VIEW&id=3627255&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author](https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=3627255&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author)

- گروتز، یورگ-کورت. ۱۳۸۸. زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه پاکزاد جهان‌شاه و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1992031&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- مایس، پیر فون. ۱۳۹۲. نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان همراه با تحلیل و قیاس با مبانی معماری ایران. ترجمه سیمون آیوازیان. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2798550&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- مجمع اللغة العربیه المعجم الوسیط. ۱۴۲۵ / ۵ / ۲۰۰۴ م. مصر: القاہرہ : مکتبه الشروق الدولیہ.

<https://noorlib.ir/book/view/72885>

[/مجمع-اللغة-العربية-فی-ثلاثین-volumeNumber=2&pageNumber=7&viewType=pdf](https://noorlib.ir/book/view/72885)

- نورایی، علی. ۲۰۱۳. فرهنگ ریشه واژگان فارسی. بی‌نام.

<https://ketabnak.com/book/98849>

واژگان-فارسی

- هوسرل، ادموند. ۱۳۹۸. تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیده‌شناسی. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=666758&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

معماری آستانگی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۳ (۹): ۷۹-۸۹.

<https://www.magiran.com/paper/1304593>

چگونگی-طراحی-ورودی-بنا-با-توجه-به-اصول-شکل-گیری-معماری-آستانگی

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م. مفردات الفاظ القرآن تدوین صفوان عدنان داوودی. دمشق، بیروت: دارالقلم؛ الدار الشامیه.

<https://noorlib.ir/book/view/02088?viewType=pdf>

- طاهری، جعفر. ۱۳۹۲. بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری. مطالعات معماری ایران ۲ (۴): ۵-۲۲.

<https://civilica.com/doc/443734>

- علی‌نیای مطلق، ایوب؛ شکوری، رضا و عینی‌فر، رضا. ۱۳۹۹. تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۲ (۲۵): ۳۱-۴۲.

https://jfaup.ut.ac.ir/article_81451.html

- علی‌نیای مطلق، ایوب، شکوری، رضا و عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۹۸. بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن، بر اساس ریشه‌شناسی واژه و آرای اندیشمندان حوزه‌ی معماری. صفة ۲۹ (۸۷): ۳۹-۵۸.

https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100487.html

- فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۹۱. شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.

https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=3053599&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author

- کریستوا، ژولیا. ۱۳۹۸. فردیت اشتراکی. ترجمه مهرداد پارسا. تهران: روزبهان.

<https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=F>



- Gauvain, Mary & Altman, Irwin. 1982. A Cross-Cultural Analysis of Homes . Architecture & Comportement/ Architecture & Behaviour.1 (2): 27-46
<https://www.epfl.ch/labs/lasur/wp-content/uploads/2018/05/GAUVAINandALTMAN.pdf>
- “Habitar.” The Latin Dictionary.
<http://latindictionary.wikidot.com/verb:habitar>
- Hallak, Essam. The Ephemeral and The Liminal: A Philosophical Reconceptualization of The Boundaries of Architecture and Ethics. 2011. International Journal of Multidisciplinary Thought.1(5):131-137.
https://www.academia.edu/28948879/THE_EPHEMERAL_AND_THE_LIMINAL_A PHILOSOPHICAL RE CONCEPTUALIZATION OF THE BOUNDARIES OF ARCHITECTURE AND ETHICS
- Heidegger, Martin . 1996. Being and Time. Translated by Stambaugh Joan . Albany : State University of New York Press.
<https://www.amazon.com/Being-Harper-Perennial-Modern-Thought/dp/0061575593>
- Heidegger, Martin 1971. Poetry, Language, Thought Translated by Hofstadter Albert .New york : Harper & Row.
<https://www.amazon.com/Poetry-Language-Thought-Harper-Perennial/dp/0060937289>
- Hill Jonathan.2005. Introduction In Occupying Architecture: Between The Architect And The User .London and New York : Routledge, Taylor & Francis e-Library.
https://books.google.com/books?id=1cqEAgAAQBAJ&printsec=frontcover&source=gbs_atb#v=onepage&q&f=false
- Korosec-Serfaty, Perla.1985. Experience and Use of the Dwelling. Home Environments In 8:13 of Human
- وایت، ویلیام هالینگزورث. ۱۳۹۲. زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک. ترجمه میترا حبیبی و محمدهادی غیائی. تهران: دانشگاه هنر.
https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=3083236&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- وینترز، ادوارد. ۱۳۹۶. زیبایی‌شناسی و معماری. ترجمه عبدالله سالاروند. تهران : نقش جهان.
https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=4725925&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Curtis, William j. r. 2002. modern architecture since 1900. London : Phaidon Press Limited.
https://books.google.com/books/about/Modern_Architecture_Since_1900.html?id=s8VPA_AAMAAJ
- Cyril M. Harris.2000. Dictionary of Architecture & Construction. United States of America : McGraw-Hill.
<https://www.amazon.com/Dictionary-Architecture-Construction/dp/0071452370>
- Della, Summers . 2008. Longman dictionary of contemporary english. Italy : La Tipografica Varese.
https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=963753&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Dovey, Kimberly.1985 .Home and Homelessness In 8:13 Home Environments in Human Behavior and Environment edited by Altman Irwin & Werner Carol M .New York : Springer Science+Business Media.
https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-2266-3_2

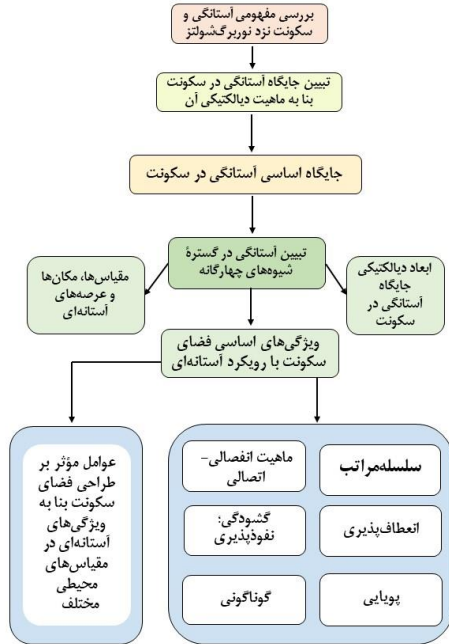


- Norberg-Schulz, Christian . 1988. Architecture: Meaning and Place selected essays. New York: Rizzoli.
<https://www.amazon.com/Architecture-Meaning-Selected-Architectural-documents/dp/0847808475>
- Norberg-Schulz, Christian. 2000. Architecture: Presence, Language and Place. Milan: Skira editore S.P.A.
<http://84.241.57.83/simwebclt/WebAccess/SimWebPortal.dll/DubSrch>
- Smith, Catherine. 2011. The Space of Liminality and the Space of Architecture, Looking for Liminality in Architectural Space .Limen, Journal for theory and practice of liminal phenomena
http://limen.mi2.hr/limen1-2001/catherine_smith.html.
- Soja, Edward. 2000. Thirdspace: Expanding the Scope of the Geographical Imagination In Architecturally Speaking: Practices of Art, Architecture and the Everyday Edited by Read Alan . London, New York : Routledge.
<https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203468791/architecturally-speaking-alan-read>
- Spring Reppenng, Sara. 2003. An Architecture of Liminality Cincinnati : University of Cincinnati.
https://etd.ohiolink.edu/acprod/odb_etd/etd/r/1501/10?clear=10&p10_accession_num=ucin1068668764
- Szkolczai, Arpad. 2009. Liminality and Experience: Structuring transitory situations and transformative events International Political Anthropology.1 (2): 141-172.
https://www.academia.edu/8343072/Liminality_and_Experience_Structuring_transitory_situations_and_transformative_events
- Behavior and Environment Edited by Altman Irwin & Werner Carol M. New York : Springer Science+Business Media.
https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-2266-3_3
- Levinas, Emmanuel. 1998. On Thinking-of-the-Other entre nous Translated by Smith Michael B .& Harshav Barbara .NEW YORK : Columbia University Press.
<https://books.google.com/books/about/Entre-Nous.html?id=u13IXZIO3QcC>
- “Liminal.” Merriam-Webster.com Dictionary, Merriam-Webster,
<https://www.merriam-webster.com/dictionary/liminal>
- Norberg-Schulz, Christian. 1971. Existence, Space & Architecture Edited by klig Mary .New York : Praeger Publishers.
<https://archive.org/details/existencespacear00norb/page/n123/mode/2up>
- Norberg Schulz, Christian. 1980. Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture .New York : Rizzoli.
<https://www.amazon.com/Genius-Loci-Towards-Phenomenology-Architecture/dp/0847802876>
- Norberg-Schulz, Christian. 1980. Meaning in Western Architecture. New York : Rizzoli.
<https://www.amazon.com/Meaning-Western-Architecture-Christian-Norberg-Schulz/dp/0847803198>
- Norberg-Schulz, Christian . 1985. The concept of dwelling: On the way to figurative architecture. New York : Rizzoli.
<https://www.pdfdrive.com/the-concept-of-dwelling-on-the-way-to-figurative-architecture-e176191023.html>



۱۳- چکیده تصویری

جایگاه آستانگی در سکونت نزد کریستین نوربرگ شولتز؛ بررسی ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر شناخت و طراحی فضای سکونت با رویکرد آستانه‌ای



- Thomassen, Bjørn. 2009. The Uses and Meanings of Liminality International Political Anthropology 1(2):5-27. <https://s3.amazonaws.com/arena-attachments/2253233/22ab3f637146922a156651ebf1951964.pdf>
- Troy Zimmerman, Patrick. 2008. Liminal Space in Architecture: Threshold and Transition -Knoxville : The University of Tennessee, Knoxville. https://trace.tennessee.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1489&context=utk_gradthesis
- Turner, Victor. 1969. Liminality and Communitas: Form and Attributes of Rites of Passage. The Ritual Process: Structure and Anti-structure. New York : Cornell University Press. <http://faculty.trinity.edu/mbrown/whatisreligion/PDF%20readings/TurnerVictor-%20Liminality%20and%20Communitas.pdf>
- Tversky, Barbara, Zacks, Jeffrey M & Hard Bridgette, Martin. 2008. The Structure of Experience In Oxford series in visual cognition: V. 4. Understanding events: From perception to action Edited by Shipley Shipley & Zacks J. M. Oxford University Press. https://www.researchgate.net/publication/232083090_The_Structure_of_Experience
- Wolford, Rebecca. L. 2008. Wandweing in Dwelling Washington State University. <https://rex.libraries.wsu.edu/esploro/outputs/graduate/Wandering-in-dwelling/99900525273201842>

